

اطلاعیه شماره ۱۴

۱۱ آبان ۱۳۷۹

Editor@kargar.org

سیاست‌های ضد کارگری رژیم

اخیراً شورای شهر تهران با مشاهده افزایش کارگران بیکار در خیابانهای تهران که در جستجوی کار بوده اند، سخت نگران شده و «راه حل»ی ارائه داده است! مرتضی لطفی، عضو هیئت شورای شهر تهران در مصاحبه اخیر خود (همشهری ۵ آبان) اعلام کرده که «برای رضایتمندی شهروندان و کمک به ایجاد نظم عمومی و پاکسازی محیط شهر و ساماندهی این نیروها»، وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نسبت به هدایت و شناسایی کارگران بر اساس مهارت حرفه ای و ردیابی و شناسایی کارگران خارجی و ایجاد اطمینان برای مردم، تجمع نیروهای «کار آزاد» را از خیابانها جمع آوری کرده و در محله های مشخصی مستقر کند.

این اقدام مذبحخانه هیچ کمکی به کارگران بیکار پراکنده در شهر تهران نمی کند. تنها هدف ایجاد تسهیلات برای کسانی است که در صدد یافتن نیروی کار ارزان در خیابانهای شهر هستند. با این اقدام کارگران خارجی «شناسایی و ردیابی» و نهایتاً حذف گشته و سایر کارگران نیز تحت کنترل قرار گرفته و دستمزدهای آنها ثابت (البته بر اساس مهارت!) نگهداشته می شود. کارگران همانند برده هایی برای فروش نیروی کار خود در محله های مشخص گماشته خواهند شد. **بقیه در صفحه ۴**

استقلال کارگران از

اصلاح گرایان ضروری است!

م. رازی

Razi@kargar.org

اخیراً بیانییه هایی توسط «جنبش متحد کارگران ایران» در برخی از نشریات خارج از کشور (وابسته به اکثریت و راه کارگر) درج گشته است. گرچه برخی از مطالبات و اهداف این تشکل با خواستها و منافع کارگران ایران همسویی داشته، اما ایرادهایی نیز داراست که می تواند در آتیه به جنبش کارگری ایران که در ماههای پیش با شتاب بیشتر از سابق وارد صحنه شده است، لطمه وارد آورد.

بقیه در صفحه ۲

چگونگی «دفاع از دانشجویان در بند»

جمعه ۶ آبان تا ۱۳ آبان، توسط «جبهه متحد دانشجویی» به عنوان هفته «دفاع از دانشجویان در بند» نامگذاری شده است. در اطلاعیه این نهاد، کلیه دانشجویان به مشارکت و اعتراض با «شیوه های مسالمت آمیز»، دعوت شده اند.

بقیه در صفحه ۵

تنها مقالات با امضاء «هیئت مسئولان» منعکس کننده مواضع «اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران»، می باشد.

استقلال کارگران.....بقیه از صفحه ۱

کارگران پیشروی ایران هم اکنون در موقعیت بسیار حساسی قرار گرفته اند. از یکسو تهاجمات لفظی و فیزیکی باند راست و «حزب الله»، همانند پیش، آنها را در محیط کار مورد تهدید روزمره قرار می دهد؛ و از سوی دیگر راه اندازی تبلیغات نظریات اصلاح گرایانه توسط باند «اصلاح طلب» رژیم (درون و برون هیئت حاکم)، آنها را زیر فشار قرار داده است. اصلاح طلبان (کلیه جناح های آن) خواهان حفظ وضعیت موجود و برقراری یک نظام سرمایه داری مدرن هستند. در این نظام، همانند نظام شاهنشاهی، حق و حقوق های صوری و ظاهری برای کارگران قایل شده تا از این طریق فعالیتهای ضد سرمایه داری آنها را محدود کنند. برای نمونه تشکیل «حزب کارگران اسلامی» و یا انتشار مقالاتی توسط برخی از رهبران سابق کارگران مبنی بر ادغام جنبش مستقل کارگری با نمایندگان (کارگر) رژیم، بخشی از این مداخلات بوده است.

نظریات ارائه داده شده توسط «جنبش متحد کارگران ایران» نیز متأسفانه مستثنی از این روش نیست.

مسئله «استقلال» کارگران حائز اهمیت است

کارگران تنها در درون یک تشکل «مستقل» از رژیم سرمایه داری و کلیه جناح های وابسته به آن (درون یا برون هیئت حاکم یا رادیکال و غیر رادیکال) و بدون «آقا بالا سر» و «قیم» قادر خواهند بود که از منافع خود دفاع کنند. اما، در بیانیه «جنبش متحد کارگران ایران» (شهریور ۷۹) چنین آمده است: «جنبش متحد کارگران...خود را به عنوان یکی از گروههای مستقل و قانونی کارگری در زیر مجموعه اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان سراسر کشور به دبیر کلی مبارز خستگی ناپذیر مهندس حشمت اله طبرزدی...دانسته... (زیرا) او در این عرصه از هیچگونه تلاش و کوششی در جهت استیفای حقوق از دست رفته کارگران بیدفاع مظلوم دریغ نورزیده...»

اول، چگونه می توان خود را یک تشکل «مستقل» کارگری قلمداد کرد و در عین حال «زیر مجموعه» یک نهاد «دانشجویی» و رهبر «مهندس» آن قرار گرفت؟ بدیهی است که اعلام چنین موضعی به خودی خود نشاندهنده این امر است که یا «جنبش متحد کارگران ایران» یک نهاد مستقل نمی باشد و توسط عده ای (کارگر و یا غیر کارگر) به نیابت از کارگران و با نام آنها ساخته شده، و یا درک نا صحیحی از یک تشکل مستقل در آن حاکم است.

دوم، چنانچه آقای مهندس طبرزدی کوشش بیدریغ در دفاع از حقوق کارگران کرده است، بایستی خود او به جنبش کارگری و نهادهای مستقل آن ملحق شود و نه بر عکس. در دوره انقلاب بسیاری از همین دانشجویان و مهندسان حزبهای ساختند و کارگران را به خود جلب کردند و در مواقع حساس پشت کارگران را خالی کردند و آنها را به حال خود رها کردند. تجربه حداقل انقلاب اخیر ایران باید به کارگران نشان داده باشد که آنها تنها به نیرو و توان و قابلیت فکری خود و متحدانشان (که در جبهه آنها قرار گرفته اند) می تواند متکی باشد و تدارک مبارزه با کارفرمایان و رژیم را سازمان دهند. بهر حال بهتر است ذکر شود که این کمک های بیدریغ مهندس طبرزدی به کارگران ایران در کجا و چه زمانی بوده است؟

سوم، کارگران مستقل ایران دیگر پس از سپری شدن بیش از دو دهه و تجربه این رژیم درک کرده اند که قانون رژیم اسلامی و کلیه نهادهای آن در خدمت حفظ منافع سرمایه داری است. چگونه می توان با حضور چنین رژیمی به مطالبات به حق کارگری دست یافت؟ برای نمونه حق اعتصاب یک حق مسلم کارگران است. آیا در قانون کنونی رژیم و یا در برنامه اصلاح طلبان نظیر مهندس طبرزدی این حق مسلم وجود دارد؟ چنانچه کارگران دست به یک اعتصاب عمومی برای گرفتن حق خود کنند، آیا اصلاح طلبان در کنار آنها قرار خواهند گرفت؟ اگر چنین است چرا کلیه باندهای رژیم در سرکوب کارگران اسلام شهر و سایر مبارزات کارگری متحداً عمل کرده اند؟

بدیهی است که کارگران برای احقاق حقوق خود بهتر است خود را مستقل از هر شخصیت و گروه و جبهه ای سازمان دهند، وگرنه آنها هرگز به حقوق خود نخواهند رسید.

از مطالبات صنفی و دمکراتیک باید فراتر رفت

در گزارش اخیر «جنبش متحد کارگران ایران» (رجوع شود به ضمیمه) آمده است که بنیادهای به اصطلاح مستضعفین، ۱۵ خرداد، علوی و غیره «اقدام به چپاول و غارت سرمایه های ملی... و دسترنج کارگران مظلوم نموده اند». این مطلب کاملاً صحیح است. اما، تنها ذکر این مطالب عمومی دیگر کافی نمی باشد. کارگران مستقل بهتر است با تشکیل یک کمیسیون کارگری خواهان رسیدگی به دخل و خرج این بنیادها شوند. در این مورد خواست باز کردن دفترهای بنیادهای وابسته به رژیم یکی از مطالبات محوری کارگران می تواند باشد. اگر رژیم اذعان دارد که پولهای جمع آوری شده توسط بنیادهای مذکور در راستای کمک رسانی کارگران و زحمتکشان (مستضعفین) بوده است، باید تمام حساب و کتابهای آن بنیادها را علنی کند. مبارزه پیرامون این شعار می تواند آغازگاه یک عمل مشخص برای کسب حقوق از دست رفته کارگران باشد. یا رژیم به این مطالبه تن می دهد که افشا می گردد و یا توافق نمی کند، که در آنصورت کارگران مستقل از چارچوب یک اقدام «قانونی» خارج شده و به شیوه های ابتدایی کارگری یعنی سازماندهی اعتصاب مباردت می کنند.

تشکیل «جبهه سوم» برای کسب حقوق دمکراتیک

مردم تحت ستم ایران به ویژه دانشجویان و زنان و کارگران پیشرو در مقابل «تمامیت خواهان» و «اصلاح طلبان» مبادرت به تشکیل یک جبهه سوم کرده اند. مشاهده بیش از ۳ سال قول و قرارهای بی اساس خاتمی و بی ارادگی اصلاح طلبان در مجلس ششم در مقابله با «حزب الله»، بیش از گذشته این گرایش عینی را تقویت

کرده است. اما، بدون حضور فعال کارگران مبارز در این جبهه و نقش تعیین کننده و رهبری کننده کارگران، طبعاً این جبهه با شکست مواجه خواهد شد. «دفتر تحکیم وحدت» به رهبری طبرزدی در عمل نشان داده که در درون این جبهه قرار نگرفته است. در قیام شش روزه دانشجویان تهران، پشت دانشجویان مستقل توسط «دفتر تحکیم وحدت» خالی گشت. مقاومت دانشجویی در مقابل تهاجمات اوباش «حزب الله»ی تحت لوای «لیخند اصلاحات» در هم کوبیده شد.

گسست از نهادهای اصلاح طلب که توهم را به سرمایه داری دامن می زند، و الحاق به جبهه سوم (یعنی جبهه ضد رژیم سرمایه داری) توسط کارگران مستقل نخستین گام در راستای کسب حقوق از دست رفته کارگران است.

۱۲ آبان ۱۳۷۹

ضمیمه

گزارش جنبش متحد کارگران از تضییع حقوق قانونی کارگران در کارخانجات

به نام آنکه عادل است و دادگر

دروود بر کارگران مبارزه و خستگی ناپذیر و درود بر ملت شریف و آزادیخواه ایران.

هموطنان عزیز! جنبش متحد کارگران ایران به آگاهی عموم هموطنان حق طلب و مبارزه می رساند، پیرو اطلاعاتی های قبل که به آگاهی تان رساندیم مدتی است که سرمایه مداران زالوصفت، اقدام به چپاول و غارت سرمایه های ملی میهن عزیزمان و دسترنج کارگران مظلوم نموده اند. اگر شرکت های تحت پوشش بنیادهای عظیمی همچون بنیاد به اصطلاح مستضعفین، ۱۵ خرداد و بنیاد شهید و بنیاد علوی و

ایران لقب دارد، طبق آمار موجود ۵۰ درصد از کارخانجات صنعتی آبادان به مشکلات نقدینگی و سواستفاده های مالی مدیران ناکارآمد دچار فجایع رکود اقتصادی گشتند. با توجه به اینکه مشکل آب شرب آبادان همچنان به قوت خود باقیست.

هموطنان عزیز تمام اینها یک دهم قطره از اقیانوس مشکلات جامعه کارگری می باشد که طی اطلاعیه های بعدی گزارش های تکمیلی به آگاهی شما هموطنان خواهد رسید.

۱۰ آبان ۱۳۷۹

سیاستهای ضد کارگری رژیم

از صفحه ۱

آیا بهتر نبود که «عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران» به جای چنین اقدامی، به ریشه های مسئله بر خورد می کرد؟ کارگرانی که در شهرها مجبور به فروش نیروی کار خود هستند از زور اجبار به چنین کاری دست می زنند. زیرا رژیم به جای ایجاد کار و رشد تولیدات، از طریق «بنیاد» های مختلف (مستضفین، علوی، قدس رضوی، ۱۵ خرداد) اقدام به چپاول و غارت مردم کرده و عده ی قلیلی را ثروتمند کرده و اکثر مردم را به زیر خط فقر برده است. طبق آمار رسمی برای حل مسئله بیکاری می بایستی

۷۵۰۰۰۰ در سال شغل بوجود آید (طی ۶ ماه پیش تنها ۴۰۰۰۰ بیکار شاغل شده اند - روزنامه ایران، آبان ۷۹).

بیکاری شدید، گرانی و چپاول رسمی مردم توسط «بنیاد» ها، منجر به این نابسامانی گشته است. «شناسایی و ردیابی» چند صد کارگر در سطح شهر و دستگیری کارگران خارجی مسئله را حل نخواهد کرد! چنانچه سردمداران رژیم و سرمایه داران قادر به حل مسئله نیستند، بهتر است سازماندهی امور را به خود کارگران واگذار کنند. تنها یک تشکل «مستقل کارگری» قادر خواهد بود که مسائل کارگری را حل و فصل کرده و در سطح شهر تهران (و سایر شهرها) سازماندهی امور را به سامان رسانده و همچنین حساب و کتابها و دخل و خرج «بنیاد» ها را مورد بررسی قرار دهد.

هیئت مسئولان «اتحادیه»

آستان قدس رضوی، سوددهی ندارند. پس متولیان سرمایه داران این بنیادها، ثروت های هنگفت را از چه منابعی استخراج کرده اند؟ نکند صاحب گنج شده اند که کارگران خبر ندارند!! البته ناگفته نماند که دفینه های تاریخی و آثار تاریخی این مملکت از دست اینها در امان نیست و ثروت های ملی را نیز به حراج داده اند.

اینها در حالی است که شرکت شباب غرب (کرمانشاه) از بزرگترین واحدهای تولیدی لوله و اتصالات غرب کشور با ۲۰۰ کارگر به علت عدم پرداخت حقوق سه ماهه کارگران و بی توجهی به خواسته های قانونی آنان با رکود مواجه گشته و این واحد اکنون هیچ گونه فعالیتی ندارد و کارگران آن حقوق مرداد و شهریور را نیز دریافت نکرده اند. کارگران فرش بیستون کرمانشاه نیز به علت عدم پرداخت حقوق از چندی پیش دست از کار کشیده اند. این شرکت وابسته به بانک صنعت و معدن می باشد و ۶۰۰ کارگر دارد که به علت عدم فروش تولیدات و سومدیریت و پرداخت نشدن حقوق کارگران دچار بحران شده و از طرفی نمایندگان کارگران کارخانجات ورامین و پاکدشت نسبت به انعقاد قراردادهای موقت کارگران اعتراض و از آنان به عنوان استثمار کارگران در قرن ۲۱ یاد کرده اند.

در این میان هیچ فردی و نهادی پاسخگوی کارگران نیست. چندی پیش ۵۰۰ نفر از کارگران نساجی طبرستان، قائمشهر در اعتراض به وضعیت شغلی و حقوقی خود در مقابل فرمانداری این شهرستان زیر باران، تجمع آرامی بر پا کردند که به علت عدم همکاری مدیریت با فرمانداری تا کنون هیچ نتیجه ای نگرفته اند. در شرق کشورمان کارگران شرکت ظریفیان مشهد نیز دچار مشکلات فراوانی از قبیل عدم رسیدگی مسئولان به درد کارگران و فروش بی دلیل کارآمدترین دستگاه های تراش و خم قیچی توسط مدیران می باشد، حدود ۵۰ نفر از کارگران بی دفاع مدت ۶ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند و قادر به سیر کردن شکم خانواده هایشان نیستند! چه کسی باید به این معضلات رسیدگی نماید؟! این دردها را به کجا باید برد؟ و در جنوب کشورمان که شهر آبادان که عروس شهرهای

دفاع از دانشجویان.....از صفحه ۱

بدیهی است که مطالبات «جبهه متحد دانشجویی» از جمله اعتراض به شکنجه، و دفاع از آزادی های دموکراتیک «مدنی» مورد توافق کلیه دانشجویان است. اما، تجربه یک سال پیش نشان داد که دانشجویان صرفاً با «طرح» مطالبات خود، آنها را «شیوه های مسالمت آمیز» نه تنها به جایی نمی رسند که در وضعیت نا امید کننده تر از پیش قرار گرفته، زیرا بطور سیستماتیک مورد تهاجم «حزب الله» (با همکاری نیروی های انتظامی) قرار می گیرند.

آنچه اکنون در کانون توجه دانشجویان قرار گرفته، چگونگی احقاق خواسته هایشان است و نه تنها طرح آن خواسته ها. کلیه نهادهای دانشجویی که به گونه ای مرتبط به نظام حاکم و مدافع قانون اساسی بوده، در عمل به مطالبات دانشجویی پشت کرده اند. دانشجویان برای دفاع از خود و مطالباتشان نیاز به یک تشکل مستقل دانشجویی دارند. تشکلی که هیچ یک از جناح های حکومتی (نه تمامیت خواهان و نه اصلاح طلبان) در آن اعلام نفوذ نکند. ایجاد یک «اتحادیه مستقل دانشجویی» امروز به یکی از خواسته های محوری دانشجویان تبدیل گشته است.

اخیراً حتی در درون «دفتر تحکیم وحدت» سخن از تغییر جهت گیری به میان می آید. طبعاً رهبران «اصلاح طلب» این سازمان زیر فشار توده های دانشجویی قرار گرفته و برای نخستین بار اعلام داشته اند که در قبال نظرگاه «آرامش فعال»، عده ای به «نافرمانی مدنی» معتقدند (رجوع شود به سخنرانی علی افشار، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، در دانشکده صنعت و الکترونیک دانشگاه شیراز).

تنها اتحادیه مستقل دانشجویی و رهبران منتخب آن در موقعیت تعیین روش مبارزه برای حقوق خود خواهند بود (و نه نهادهای وابسته به باندهای هیئت حاکم). روش برخورد با یورش های متشکل و برنامه ریزی شده «حزب الله» می تواند توسط همان نهاد سازماندهی شود. تجربه یک سال پیش نشان داده که تنها راه مقابله با اوباش، تشکیل کمیته

های مخفی «دفاع از خود» است. همچنان کوشش در راستای اتحاد میان دانشجویان و کارگران، حقوق دموکراتیک دانشجویان و سایر قشرهای تحت ستم جامعه را می تواند ضمانت کند.

هیئت مسئولان «اتحادیه»

کارگران راه آهن پاکستان مورد حمله قرار می گیرند

فارق سولهریا

پلیس موقالبورای شهر لاهور پرونده ای بر علیه ۱۰ تن از رهبران اتحادیه های کارگری راه آهن پاکستان درست کرده است. از جمله جرم های آمده در پرونده، بهم زدن آرامش، تهییج کارگران و ایراد سخنرانی هائی بر علیه دولت نظامی آن کشور ذکر شده است. اتحاد کارگران راه آهن (که در حقیقت تشکلی است از همبستگی تمامی اتحادیه های کارگری کارگاه های راه آهن پاکستان) روز ۱۸ اکتبر، جلسه ای عمومی تحت عنوان «فراخوانی کنفدراسیون کارگری بر علیه بالا رفتن قیمت ها و بیکاری، خصوصی سازی و اخراج کارگران ترتیب داد.

روز ۱۷ اکتبر، مدیریت راه آهن از چهار رهبر اتحادیه های کارگری راه آهن پاکستان می خواهد که برای رسیدن به توافقاتی در نشستی که از طرف مدیریت ترتیب داده شده بود، حضور یابند. رهبران اتحادیه ها دعوت را پذیرفته و به دفتر مدیریت بخش کارگاه ها می روند. اما هنگام ورود به محل جلسه ملاحظه می کنند که در اطاق و در اطراف میز جلسه، تعداد زیادی از افراد پلیس ایستاده اند. در نشستی که اکثر اعضای مدیریتش افسران ارتش بودند، از رهبران اتحادیه ها به کرات خواسته شد تا جلسه عمومی خود را به تعویق بیندازند. مدیریت حاضر در جلسه، در عین حال مرتب قول می داد که به مشکلات کارگران رسیدگی کنند، اما این قول تنها شفاهی بوده و آنها نمی خواستند آنرا بر

پلیس آنگاه جلو حرکت کارگران را گرفته و آنها را به شتم با باطوم تهدید می کند. این حرکت پلیس باعث تحریک کارگران گردید و برخی به فریاد آمده و می گویند: ما را بکشید، ولی ما از این جاده نخواهیم رفت، تیراندازی کنید، ولی جلسه ما برگزار خواهد شد.

به دنبال این برخورد، کارگران یک نیمکت آورده و همانجا جلسه خود را آغاز می کنند. صدها تن پلیس مسلح ایستاده و به شعارهای شجاعانه کارگران که فریاد می کشیدند: «جلو بالا رفتن قیمت ها را باید بگیریم، سرنگون باد دولت نظامی، جلو مقررات حاکم را باید گرفت، پرداخت اضافه کاری باید مجدداً مقرر گردد و خصوصی سازی باید برچیده شود» گوش کرده و سردر گم مانده بودند. حدود هشت سخنران در این جلسه عمومی شرکت کردند. چودری گلزار احمد منشی کنفرانس کارگری پاکستان از پنجاب، فاروق تاریق معاون حزب کارگر پاکستان و الطاف بلوچ از فدراسیون کارگران متحد در شمار سخنرانان بودند. آنها در این جلسه قسم یاد کردند که تا توان دارند در راه کسب دموکراسی مبارزه کنند. جلسه ادامه یافت و خواهی نخواهی از وقت ناهار کارگران هم گذشت و کارگران تا پایان جلسه باقی ماندند.

افراد پلیس سردرگم ناظر این جریان بوده و نمی دانستند، چه کنند. مدت ها بود که این کارگران پتانسیل انقلابی و اراده مصمم خود را به نمایش گذاشته بودند.

در بانک جهانی است و به همین دلیل تمام فشار را بر دوش کارگران می آورد. یک مدیریت بوروکراتیک وسیع با کمک دولت نظامی، دست خود را به قدری باز می بیند که هر کاری می خواهد با کارگران می کند.

اما این هیئت مدیره و دولت نظامی اش از این پس کار چندانی پیش نخواهند برد و با کارگران و توده مردمی روبرو خواهند شد که دیگر صبرشان لبریز شده است.

ترجمه: سارا قاضی

روی کاغذ آورند. این نشست ساعت ها، یعنی تا ۱۱ شب، به طول انجامید و در این مدت رهبری کارگری خواهان برچیده شدن مقررات سختگیری نسبت به کارگران و انصراف مدیریت از انتقال ۲ تن از رهبران اتحادیه ها به مناطق دورافتاده شدند. حدود ساعت ۱۱ شب هنوز هیچ گونه توافقی صورت نگرفته بود و مدیریت مصرانه اعلام داشت که از برگزاری جلسه عمومی کارگران در فردای آن شب با قاطعیت جلوگیری خواهد کرد.

جلسه عمومی کارگران قرار بود در استراحتگاه آنها که در زیر سایه قرار دارد و در وقت استراحت و ناهاری آنها است، برگزار شود. رهبری اتحادیه ها قبل از رفتن به جلسه مدیریت به همه کارگران اعلام می دارند که به هیچوجه از خواسته های خود دست نخواهند کشید و با مدیریت معامله نخواهند کرد و از کارگران می خواهند که در بود یا نبود آنها جلسه عمومی را برگزار نمایند.

محل استراحتگاه کارگران از اول صبح روز ۱۸ اکتبر بوسیله مأموران پلیس محاصره شد. بسیار واضح بود که مدیریت نظامی راه آهن بر آن بود تا از برگزاری جلسه عمومی کارگران جلوگیری کند. در وقت ناهار، زمانی که کارگران راهی آن محل شده و می بینند که تمام محوطه همچنان از پلیس محاصره شده، روانه دفتر اتحادیه کارگری می گردند. قرنطینه کنار دفتر اتحادیه، ظرفیت ۳۰۰ کارگر را دارد.

مدیریت لذا به این نتیجه می رسد که کارگران قصد برگزاری جلسه عمومی را در محل قرنطینه دارند، اما در این هنگام، تعدادی از کارگران مبارزه با پیشنهاد بقیه مخالفت کرده و خواهان آن می شوند که جلسه اشان در محل تعیین شده اجرا گردد. در این زمان در ضمن، آن ۴ تن از رهبری کارگری که در نشست با مدیریت شرکت کرده بودند هم به نام های فاضل وحید، رحمان، گل دراز و صادق باثقی، هنوز به کارگران نپیوسته بودند و تصور می رفت که بازداشت شده باشند. لذا معاون رهبری، اعلام برگزاری پیکت به جای جلسه کرد.